

# A Comparative Study of Zahir al-Islam's Economic Initiatives, the Custodian of Astan Quds Razavi (1334-1335 AH and 1338-1339 AH)



Shahin Farabi<sup>1</sup>

Receive Date: 19 February 2023 | Accept Date: 18 July 2023

## Abstract

The holy shrine of Imam Reza (the most significant gathering place of Shias in Iran) and Astan Quds Razavi have always been offering the opportunity for Shiite governments to show their true respect to Shiite Imams through proper managing and providing services to their pilgrimage. They have also tried to legitimize, establish, and continue their own rule though such activities. Therefore, proper managing of all properties and issues has been among the priorities of Shiite rulers, including Qajar rules. Relying on archived written orders and documents and comparing them, this study investigated the economic status of Astan Quds Razavi in the late Qajar era managed by Zahir al-Islam (Brother-in-law of Mozaffar al-Din Shah) and the custodian's economic performance. The issue is under-investigated. Appointed by Ahmad Shah Qajar, he managed the organization for two periods (1334-1335 AH and 1338-1339 AH) and faced various economic challenges like Astan Quds' rental properties. The results of comparative investigation of the periods showed that Zahir al-Islam's economic initiatives in the second period was more extensive than those in the first period, but he faced budget shortage necessary for supporting various parts of Astan Quds and failed to effectively change the economic status of the organization. The reasons could be the unstable political structure and ineffective administrative ordinances in the late Qajar era, lack of required cooperation between Astan Quds and related organizations, unsuccessful implementation of economic agenda proposed by Zahir al-Islam, and more significantly, decrease in the cash and commodity rents of the endowed properties

**Keywords:** Astan Quds Razavi, Custodian, Zahir al-Islam, Economic Initiatives

1. Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Iran; sh.farabi@pnu.ac.ir.

## بررسی تطبیقی اقدامات اقتصادی ظهیرالاسلام، متولی باشی استان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ق، ۱۳۳۸-۱۳۳۹ق)

شهین فارابی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۳۰ بهمن ۱۴۰۱ | تاریخ پذیرش: ۲۷ تیر ۱۴۰۲

### چکیده

بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) به عنوان مهم ترین کانون اصلی تجمع شیعیان در ایران و تشکیلات عظیم استان قدس رضوی، همواره فرصتی را برای حکومت های شیعی فراهم آورده تا بتوانند با ابراز ارادت قلبی به ائمه اطهار (ع) با مدیریت شایسته خدمت رسانی به زائران و تمشیت امور مجموعه، مشروعیت حکومت را در جامعه حفظ و استمرار بخشند. بنابراین، اداره و مدیریت صحیح امور استان مقدس و تشکیلات مربوطه، از اولویت های حاکمان حکومت های شیعی از جمله پادشاهان قاجار بود. پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد دستوری و مکاتبه ای با رویکردی تطبیقی، به بررسی اوضاع اقتصادی استان قدس رضوی در اواخر عصر قاجار به تولید ظهیرالاسلام (داماد مظفرالدین شاه) و عملکرد اقتصادی ایشان اختصاص دارد که تاکنون کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. او در دو دوره به ترتیب از ۱۳۳۴-۱۳۳۵ق و ۱۳۳۸-۱۳۳۹ق، از سوی احمدشاه قاجار، مدیریت این مجموعه را بر عهده داشت و با چالش های مختلف مالی از جمله مشکل املاک اجاره ای آستانه و غیره مواجه شد. یافته های پژوهش پس از بررسی تطبیقی دو دوره تولید ظهیرالاسلام نشان می دهد که اقدامات اقتصادی او در دور دوم تولید، با وجود تلاش های گسترده تر نسبت به دور قبل، به علت ازهم گسیختگی ساختار سیاسی و ناکارآمدی تشکیلات اداری اواخر عصر قاجار و عدم همکاری و هماهنگی لازم میان استان قدس رضوی و ادارات مرتبط با آن و عدم موفقیت در اجرای عملی نظام نامه اقتصادی پیشنهاد شده از سوی ظهیرالاسلام و از همه مهم تر، کاهش اجاره های نقدی و جنسی املاک موقوفه استیجاری، موجب کمبود بودجه لازم برای تأمین مخارج بخش های مختلف آستانه شد و نتوانست منشأ تغییرات اقتصادی اثرگذار و ساماندهی امور تشکیلات استان قدس رضوی گردد.

واژگان کلیدی: استان قدس رضوی، متولی باشی، ظهیرالاسلام، اقدامات اقتصادی

۱. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ایران؛ sh.farabi@pnu.ac.ir

## مقدمه

مدیریت و نظارت بر مجموعه عظیم حرم امام رضا (ع) به عنوان کانون تجمع شیعیان در ایران در هر یک از حکومت‌های ایران دوره اسلامی، توسط متولیان اداره می‌شد که با توجه به امکانات و بسترهای اقتصادی فراهم شده از سوی حاکمیت‌های وقت، قابل بررسی است. پژوهش حاضر پیرامون عملکرد اقتصادی سید جواد ظهیرالاسلام به عنوان تنها متولی باشی آستان قدس رضوی که در دو نوبت غیرمتوالی در اواخر عصر قاجار و هم‌زمان با حکومت احمدشاه قاجار در رأس تشکیلات آستان قدس رضوی در خراسان قرار گرفت، معطوف است. این پژوهش با تکیه بر ۶۵ سند منتخب در حوزه دستورات و مکاتبات ظهیرالاسلام به بررسی عملکرد اقتصادی او در ادوار تولیتش می‌پردازد. اسناد بررسی شده در دوره اول تولیت (۱۳۳۴-۱۳۳۵ق) از ۳ سند در قالب دستور و ۲ سند در قالب مکاتبه مربوط به بخش درآمدها، همچنین ۷ سند در قالب دستور و ۱۱ سند در قالب مکاتبه مربوط به بخش هزینه‌ها تشکیل شده است. از مجموع اسناد دوره دوم (۱۳۳۸-۱۳۳۹ق)، ۱۰ سند در قالب دستور و ۱۲ سند در قالب مکاتبه مربوط به بخش درآمدها، ۷ سند در قالب دستور و ۱۳ سند در قالب مکاتبه مربوط به بخش هزینه‌ها موجود است. مطالعه و بررسی تحلیلی این اسناد، اطلاعاتی فراتر و چندجانبه در اختیار نگارنده قرار داد تا بتواند به این سؤال اصلی پاسخ دهد که اوضاع اقتصادی آستانه در فراسوی اقدامات ظهیرالاسلام در سال‌های مذکور به طور کلی چگونه بوده و از مقایسه عملکردهای مالی ایشان در دو نوبت متولی باشی در دو بخش درآمدی و هزینه‌ها چه نتایجی به دست می‌آید؟

## پیشینه پژوهش

موضوع حاضر در منابع مختلف این دوره و به شکل پراکنده در قالب کتاب‌ها، مقالات، روزنامه‌ها و اسناد قابل جستجو بوده است. کتاب‌ها معمولاً تاریخچه‌هایی از آستان قدس رضوی هستند که توسط محققانی همچون احتشام کاویانیان، حسن مرسلوند، عزیزالله عطاردی و غیره نوشته شده است و عموماً کلیات درباره تاریخچه آستان قدس رضوی از گذشته دور تاکنون ارائه می‌دهند. در میان مقالات، تنها مقاله ارزشمندی که در ارتباط با موضوع حاضر می‌توان نام برد، پژوهش کاظم بیگی (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی سوءمدیریت در ایران عصر قاجاریه تشکیلات آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ق)» است. در مقاله حاضر،

هر دو دوره تولیت ظهیرالاسلام با تکیه عمده بر اسناد به شکل تطبیقی موردتوجه قرار گرفته، درحالی که مقاله فوق‌الذکر، تنها دور اول تولیت ظهیرالاسلام را با تکیه بر روزنامه‌ها موردتوجه و تحلیل قرار داده و به نتایج متفاوتی دست یافته است. از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به مقاله سوزنچی کاشانی و جهانگیری (۱۳۹۱) با عنوان «موقوفات متولیان آستان قدس رضوی از صفویه تا پایان قاجاریه» و مقاله یوسفی‌فر و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «مناسبات مالک و مستأجر در اراضی و املاک وقفی آستان قدس رضوی» اشاره داشت که به صورت غیرمستقیم، ارتباط اندکی با یکی از بخش‌های مقاله حاضر دارد. تفاوت مقاله حاضر با مقالات مذکور، در بررسی هم‌زمان بخش‌ها و شاخص‌های مؤثر در حوزه اقتصادی آستان قدس رضوی در دوره تولیت یکی از متولیان است، درحالی که پژوهش‌های پیشین به‌طور خاص تنها یکی از این حوزه‌های اقتصادی را در چندین دوره، مورد مطالعه قرار می‌دهند. از اطلاعات مندرج در روزنامه‌های این دوره همچون روزنامه ایران، رعد و عصرجدید نیز با توجه به انبوهی موضوعات پراکنده در روزنامه‌ها به شکل جزئی و محدود، مطالبی به‌طور خاص درباره ظهیرالاسلام ازجمله یکسری آگهی‌های مزایده و دعاوی او در مورد نوع عملکردش در آستان قدس رضوی که لازم می‌دانست به اطلاع عموم برسد، مطالب بیشتری به دست نمی‌آید.

### روش پژوهش

آنچه در این مقاله به لحاظ روشی موردتوجه قرار دارد، گردآوری منتخبی از اسناد مالی موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی است که در دو قالب دستورات و مکاتبات با موضوع درآمد و هزینه‌های آستانه در دو دوره تولیت ظهیرالاسلام ۱۳۳۴-۱۳۳۵ق و ۱۳۳۸-۱۳۳۹ق مکاتبه شده است؛ اسنادی که تاکنون از این منظر موردتوجه قرار نگرفته بودند. علاوه بر این، جهت انسجام و هماهنگی موضوع با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی برخی کتاب‌ها، مقالات و روزنامه‌های مرتبط نیز در این بازه زمانی مورد استفاده واقع شده است.

### چشم‌اندازی به تاریخچه آستان قدس رضوی

بی‌شک، عامل اصلی شکل‌گیری آستان قدس رضوی، وجود مرقد مطهر امام رضا(ع) است. به برکت وجود مقدس ایشان موقوفه‌های زیادی در ادوار مختلف تاریخی برای آن حضرت در نظر گرفته شد که تا زمان حاضر نیز ادامه دارد. اداره و مدیریت این نهاد مذهبی با

کارکردهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، از دیرباز مورد توجه خاندان‌های حاکم بر ایران اسلامی بوده است. (حسن‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۱۳) مضجع شریف مبارک حضرت رضا (ع) که از اساس و بنیاد، باعث شکل‌گیری این نهاد شد از همان روزهای نخست توسط متولی اداره شده است. روضه منوره رضویه تحت نظر حاکمان وقت و متولیان با انتخاب مستقیم این حاکمان برای اداره این مجموعه منصوب می‌شدند. عنایت و توجه شیعیان از اطراف و اکناف ایران اسلامی به بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) و نذورات و موقوفاتی که در اختیار آن روضه مبارکه به شمار می‌رفت، از جمله دلایلی بود که حاکمان را وادار می‌کرد تا در آنجا حضور داشته باشند و از اموال و دارایی آن آستان مقدس در مواقع خاص استفاده کنند و از اوضاع و احوال آن مکان مقدس مطلع باشند و به این وسیله، کل منطقه خراسان را به لحاظ سیاسی و مذهبی تحت نظر داشته باشند. متصدیان روضه منوره رضویه، عموماً از میان علویان و نقیبان ناحیه طوس انتخاب می‌شدند. نقیب منطقه طوس (نوقان، طابران و مشهدالرضا (ع)) که در مشهد ساکن بود، هم‌زمان تولیت و کلیدداری حرم مطهر را بر عهده داشت. (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۹۲/۲-۶۹۴)

منصب نقابت و کلیدداری حرم مطهر تا قبل از صفویان میان سادات رضوی و موسوی مشترکاً دست‌به‌دست می‌گشت تا این‌که صفویان به قدرت رسیدند. توجه خاص و ویژه پادشاهان صفوی به «روضه رضیه رضویه» چنان بود که وظیفه اداره آن به نمایندگان آنان با عنوان «متولی» محول می‌شد. متولی مسئولیت خدمت به زائران، اداره ابنیه، سازمان‌های زیرمجموعه و موقوفات رو به گسترش و ریاست ابواب جمعی روضه رضویه را بر عهده داشت. در پی زوال صفویان، نقش سیاسی متولی با حفظ جایگاه معنوی او در خراسان پررنگ شد. (کاظم‌بیگی، ۱۳۹۹: ۲۴۹) در دوره افشار، به علت وجود قدرت مرکزی در مشهد، نظارت بیشتری بر امور آستانه صورت گرفت. آنان سعی می‌کردند با توجه به کفایت، معرفت دینی، دانشوری و تعلق به خانواده سادات، متولیان را انتخاب نمایند. (سوزنچی کاشانی، ۱۳۹۱: ۶۳) آستان قدس رضوی در دوره قاجار و به‌ویژه از اواسط دوره ناصرالدین‌شاه، به لحاظ اقتصادی دچار نوعی فروپاشی و ازهم‌گسیختگی شد و در اواخر حکومتشان، این مسئله پررنگ‌تر شد، چنانچه اقدامات مثبتی هم در خلال این نابسامانی مشاهده می‌شد، فرع بر شخصیت متولیان بود. در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه بر تعداد متولیان افزوده شد، چراکه آنان با تقدیم مبلغی به سلطان وقت، متصدی نیابت تولیت می‌شدند و ضمن جریان امور با

اخذ مبالغی از اشخاص به آنان لقب، حقوق و عنوان خدمت می‌دادند. در این دوره، تعمیر رقبه‌های موقوفه و مرمت ابنیه و مصارف خیریه کاهش یافت، مخارج جاری و حقوق کارمندان و وظیفه‌بگیرها و مستأجران املاک معوق ماند، به طوری که بسیاری از ارباب و ظایف، حقوق و مستمری سالیانه خود را پس از صدور برات و حواله به نیمه‌بها می‌فروختند. در اواخر دوره قاجار، این آشفتگی‌ها تا حدی تداوم یافت که در جرایدی از جمله *ایران، رعد، حبل‌المتین*، نیز منعکس شد. (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۹۷-۶۹۸)

### جواد ظهیرالاسلام (متولی باشی آستان قدس رضوی در اواخر عصر قاجار)

سید جواد ظهیرالاسلام فرزند حاج زین‌العابدین ظهیرالاسلام، در ۱۳۰۰ق متولد شد. مادرش شاهزاده خانم ضیاءالسلطنه دختر سوم ناصرالدین‌شاه قاجار، همواره مورد توجه و احترام پادشاهان قاجار بود. (مرسلوند، ۱۳۶۹: ۲۶۱/۱) او بعد از درگذشت پدرش سید زین‌العابدین، امام‌جمعه تهران در ذی‌القعدة ۱۳۲۱ق به ظهیرالاسلام ملقب شد. (همان) ظهیرالاسلام که در دوران حیاتش دو دوره سیاسی متفاوت (پادشاهی قاجار و دوره مشروطه) را تجربه کرد، رویکردهای دوگانه‌ای را از خود نشان داد، به طوری که در آغاز نهضت مشروطه، خود را هم‌زمان حامی شاه و حامی آزادی‌خواهان نشان داد. (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۱۷) پس از پیروزی مشروطه‌خواهان و فتح تهران، او از هرگونه گزند محفوظ ماند، اما زمانی که در ۱۳۲۹ق محمدعلی‌شاه در اندیشه دستیابی به سلطنت، همراه با شجاع‌الدوله و سالارالدوله برای سرنگونی دولت مشروطه یورش می‌آوردند، دولت مقتدر صمصام‌السلطنه بختیاری ناچار شد او و مجدالدوله و امین‌الدوله را دستگیر و زندانی نماید. (همان) ظهیرالاسلام در ربیع‌الاول ۱۳۳۴ق با حکم احمدشاه قاجار به سمت متولی باشی آستان قدس رضوی منصوب شد (کاوینیان، ۱۳۵۴: ۴۳۶؛ دانش‌پورپور، ۱۳۹۹: ۱۱۰) که در واقع، دوره اول تولیت او بود. او پنج نوبت به سمت متولی مدرسه عالی سپهسالار و دو نوبت به ترتیب از ۱۳۳۴ق تا ۱۳۳۵ق و ۱۳۳۸ق تا ۱۳۳۹ق به متولی باشی آستان قدس رضوی منصوب شد. (مرسلوند، ۱۳۶۹: ۲۶۲/۱) ظهیرالاسلام در سال‌هایی تولیت آستان قدس رضوی را به عهده گرفت که حکومت قاجار، با توجه به اینکه سال‌های پایانی خود را سپری می‌کرد، به دوره‌ای از ضعف و انحطاط به لحاظ سیاسی رسیده بود. او در آغاز تولیت (۱۳۳۴ق) با مشکلات مالی از جمله بدهی‌های مختلفی که میراث تولیت‌های قبل بود مواجه شد (ایران، ۱۳۳۵ق) و انتظار می‌رفت که بتواند

مشکلات مالی را سروسامان داده و اوضاع را تثبیت نماید. او در تلگرافی به شاه، در آغاز تصدی مسئولیت در آستان قدس رضوی، پرداخت بدهی‌ها به مبلغ ۷۲۰۰۰ تومان نقد و ۲۲۰۰ خروار گندم و ۲۹۰ خروار جو را گزارش نموده است. (سید قطبی، ۱۳۹۸، به نقل از: عصر جدید، ۱۳۳۵: ش ۵۶) همچنین عنوان می‌کند که از آغاز تولیت او تا ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ ق، مبلغ ۸۰۰۰ تومان نقد و ۵۰۰ خروار گندم از بدهی مذکور پرداخت شده است. (ایران، ۱۳۳۵) این روند، ظاهراً نتوانست تداوم یابد، زیرا به نقل از یکی از مفتشان آستان قدس رضوی موسوم به معتمد‌الوزاره، در دوره تولیت ظهیرالاسلام افزایش بی‌رویه اجاره‌ها و غیره اگرچه درآمد آستان را افزایش داد، اما استخدام غیرموجه افراد در ازای اخذ وجه به سود متولی‌باشی و فروش مشاغل آستان از جانب او که از نظام اداری کشور الگوبرداری شده بود و نیز سایر هزینه‌های غیرضروری، منجر به کسری بودجه این نهاد شد. بدین ترتیب، درآمدی که او افزون بر مبلغ متداول کسب می‌کرد، انگیزه‌اش را برای پرداخت پول به شاه در ازای تحصیل مقام متولی‌باشی آشکار می‌ساخت. (کاظم بیگی، ۱۳۹۹: ۲۵۴-۲۵۶)

در این زمان، بنا بر گزارش‌های کلنل گری، مشهد، دستخوش پیامدهای بست‌نشینی عده‌ای از مقامات آستان قدس رضوی علیه عملکرد متولی‌باشی و تقاضا برای عزل او - بنا به تحریک کنسول روس در مشهد و معطوف به تحریکات ظهیرالاسلام علیه کامران میرزا - بود، زیرا از منظر اقدامات مالی و اقتصادی بنا به گفته گری، دیون آستان قدس رضوی، افزایشی از ۳۰۰۰۰ به ۸۰۰۰۰ تومان را نشان می‌دهد. ظهیرالاسلام با وجود این اعتراض‌ها، باز هم در منصبش ابقا شد. (همان: ۲۵۶-۲۵۷) احتمالاً جایگاه خاص او در دستگاه سلطنت و پیوند موروثی او با ناصرالدین‌شاه از سوی مادر، باعث حفظ او در این منصب گردیده بود.

باین حال، بست‌نشینی در روزهای بعد ادامه یافت و هیات حاکمه قاجار در تهران چندان توجهی به این بست‌نشینی و اعتراضات نشان نداد و درنهایت منجر به تنظیم شکایت‌نامه‌ای از سوی مقامات آستان قدس رضوی علیه ظهیرالاسلام با موضوع‌های مختلفی از جمله گم شدن یک قرآن نفیس متعلق به آستانه، پرداخت حقوق به مستخدمانی از آستانه که استخدام آنان در بودجه آستان قدس رضوی پیش‌بینی نشده بود، فقدان نظارت بر درآمد و مخارج آستانه، افزایش قروض آستانه و بی‌توجهی به ابنیه و شفاخانه گردید. (همان: ۲۵۷-۲۵۸) بدین ترتیب، مشکلاتی که برای ظهیرالاسلام در دوره اول تولیت او به وجود آمد، به موضوعی برای تقابل مقامات آستان قدس رضوی از یک سو و واکنش‌های شاه از سوی دیگر با تولیت وقت

آستان قدس رضوی تبدیل شد. این وضعیت در شرایطی بود که تنظیم بودجه که متشکل از هزینه‌ها و درآمدها بود در هیچ سالی درست در نمی‌آمد و همواره با کسری مواجه می‌شد. میزان واقعی هزینه‌ها بر میزان واقعی درآمدها فزونی داشت و بودجه‌های تخصیص یافته معمولاً کمتر از برآوردهای مربوطه بود. در نتیجه، آستان قدس رضوی معمولاً در تأمین تعهدات مالی و بازپرداخت وام‌هایش عاجز بود و بانک‌ها از جمله بانک شاهی و بانک استقراضی ایران نیز در زمینه ایجاد اعتبار داخلی فعالیتی نداشتند و این نقش هنوز بر عهده صرافان سنتی و امثال آن‌ها بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۱۲) در این مقطع زمانی، بنا به دلایلی که ذکر شد، ظهیرالاسلام به دلیل عدم دسترسی به اهداف مورد نظر عزل شد و مرتضی‌قلی خان طباطبایی جانشین او شد (دانش پورپور، ۱۳۹۹: ۱۱۱)، اما بعد از حدود سه سال، وارد دوره دوم مسئولیتش در آستان قدس رضوی شد.

بررسی اسناد آرشیوی آستان قدس رضوی نشان می‌دهد در آغاز دور دوم تولیت ظهیرالاسلام (۱۳۳۸ق) که هم‌زمان با دوره حاکمیت قوام‌السلطنه در خراسان بود، اوضاع کلی آستانه بیش از پیش، بی‌نظم و نابسامان بود، چنانکه آستان قدس رضوی در آن سال حدود صد و پنجاه هزار تومان نقد و دو هزار خروار جنس مقروض، رسیدگی به حساب مستأجران املاک به مدت سه سال به درستی صورت نگرفته و حرم مقدس و بیوتات و ابنیه و عمارات و صحن جدید به وضعیت اسفناکی تبدیل شده بود. (ساکماق، ۵۳۲۳۵: ۲) این هرج و مرج‌های کلی و غیرقابل‌انکار باعث شد که سید جواد ظهیرالاسلام اساس نامه‌ای را با تصویب و حسن مساعدت استاندار وقت خراسان، تحت عنوان اساس نامه اصلاحات آستان قدس رضوی در جراید محلی منتشر و به اطلاع عموم رساند و ضمن استمداد از توفیقات معنوی امام رضا (ع) از حاکم وقت خراسان می‌خواهد که در رسیدن به انجام اصلاحات اساسی، او را مورد حمایت قرار دهد. (همان) بنا بر اهمیت و ضرورت، مفاد اساس نامه به ترتیب ذیل از سوی ظهیرالاسلام چنین اولویت بندی شده است:

۱. رسیدگی به حساب کلیه مستأجران و مفاسد دادن به ایشان.
۲. تأسیس کمپانی برای اجاره دادن کلیه املاک از سنبله همان سال به مزایده به شرایط و ترتیبی که اعلان می‌شود که نقد و جنس در یک محل جمع شود.
۳. تمرکز دادن به نقد و جنس و تشکیل انبار حضرتی از اول حمل.
۴. نوشتن بودجه ثابت لایتغیر مانند جمیع ادارات.

۵. ترتیب دفتر راکد و ضبط جمیع اسناد و نوشتجات راجع به آستانه مقدسه.
۶. تأدیه قروض آستانه به طور استهلاک.
۷. تعمیرات کلیه بیوتات شریفه و ابنیه مقدسه.
۸. برداشتن ثبت و کتابچه صحیح از تمام اشیای منقول قیمتی و تشکیل عتیقه خانه در آستانه مقدسه.
۹. نوشتن نظام نامه های جامع برای تعیین تکالیف کلیه صاحبان مناصب و اجزای ایشان.
۱۰. تأسیس اتاق هایی برای هر یک از صاحبان مناصب مهمه آستانه و حضور ایشان در ساعات معینه به کارها و انجام وظایف خود. (ساقماق، ۵۳۲۳۵: ۳) (تصویر ۱)



تصویر ۱: اساس نامه اصلاحات آستان قدس رضوی توسط ظهیرالاسلام انتشار یافته در جراید محلی (۱۳۳۸ق)

پس از تبیین دورنمایی کلی از اوضاع اقتصادی آستان مقدس و جایگاه ظهیرالاسلام در دو دوره تولیت، با بررسی تطبیقی عملکرد اقتصادی ظهیرالاسلام (مدیریت درآمدها و هزینه ها) در دو دوره مذکور، درآمدهای آستانه شامل، الف: مال الاجاره های املاک موقوفه، وام های دریافتی، حق الارض تدفین اموات و برخی معافیت های مالیاتی و ب: هزینه های آستان قدس رضوی شامل پرداخت های حقوقی و مستمری به کارکنان، روشنایی حرم مطهر،

سال اول، شماره دو، دوره جدید، پاییز و زمستان، ۱۴۰۱



تعمیرات صحنین مقدس و مرمت مقابر قدیمی خواجه ربیع، دارالشفای آستان قدس، تنظیف خیابان‌ها، پرداخت حقوق معلمان مدارس وابسته به آستان قدس رضوی به شکل موضوعی و نه بر اساس ترتیب کروئولوژی مورد مقایسه در دور اول و دوم تولید ظهیرالاسلام قرار می‌گیرد تا در نهایت در بخش نتیجه، کارنامه مدیریتی او در هر یک از بخش‌های مذکور، همراه با ذکر دلایل، نقد و بررسی شود و این‌که تا چه حد ظهیرالاسلام در دور دوم تولید توانست نظام‌نامه پیشنهادی خویش در جهت اصلاحات اقتصادی را اجرایی نماید و قروض آستانه را در سه سالی که بین دور اول و دوم تولید او فاصله افتاده بود تأدیه نماید.

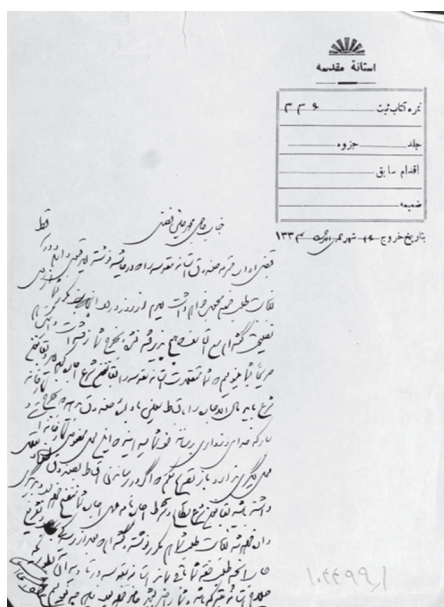
## درآمدها

### اجاره‌های املاک موقوفه، مزارع و قنوات آستان قدس رضوی

در نگاهی کلی به کشاورزی خراسان در اواخر عصر قاجار دریافت می‌شود که کشاورزی در این منطقه شامل تولیدات دیمی و آبی بود و علاوه بر گندم و جو، مقدار قابل توجهی پنبه نیز تولید می‌شد. در این منطقه دو عامل به عنوان مانع رشد تولیدات کشاورزی در خراسان بود: ۱. مقدار متوسط باران سالیانه که کمتر از ده اینچ بود و این مقدار باران برای کشاورزی اسکان یافته ناکافی بود. ۲. بی‌توجهی حکام خراسان و عدم سرمایه‌گذاری در سیستم قنوات که موجب شد رشد تولیدات کشاورزی کند باشد. اگر دولت یا صاحبان زمین در این امر مهم سرمایه‌گذاری می‌کردند، امکان افزایش قابل توجه زمین زیر کشت وجود داشت. به نظر می‌رسد که کمبود آب در خراسان حتی در تعیین اشکال حقوقی تصرف زمین نیز دخیل بود. (سیف، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۱۰۱)

ظهیرالاسلام با وجود برخی واکنش‌ها از سوی حاکمیت وقت خراسان، سرپرستی مستغلات آستانه را تحت نظارت داشت. (سید قطبی و فریدونی، ۱۳۹۶: ۱۱۳) آنچه او همچون متولیان پیش از خود در ارتباط با موقوفات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی درآمدی بر آن تأکید داشت، وصول به موقع مال الاجاره (نقدی و جنسی) از مزارع موقوفه بود. اگر دریافت هر یک از این اجاره‌ها با تأخیر صورت می‌گرفت، بلافاصله در همان سال اول تولیتش (۱۳۳۴ق) با نامه‌هایی که به مقامات آستانه می‌نوشت، آن‌ها را به محل مورد نظر اعزام و مأمور وصول می‌نمود. به عنوان نمونه، نامه‌های مکرر ظهیرالاسلام به حاجی دربان باشی کل، درباره مال الاجاره پرداخت نشده مزرعه خطایان، از این قبیل است. (ساکماق، ۱۴۲۹: ۶، ۱۴۲۹: ۷) به عنوان نمونه‌ای دیگر،

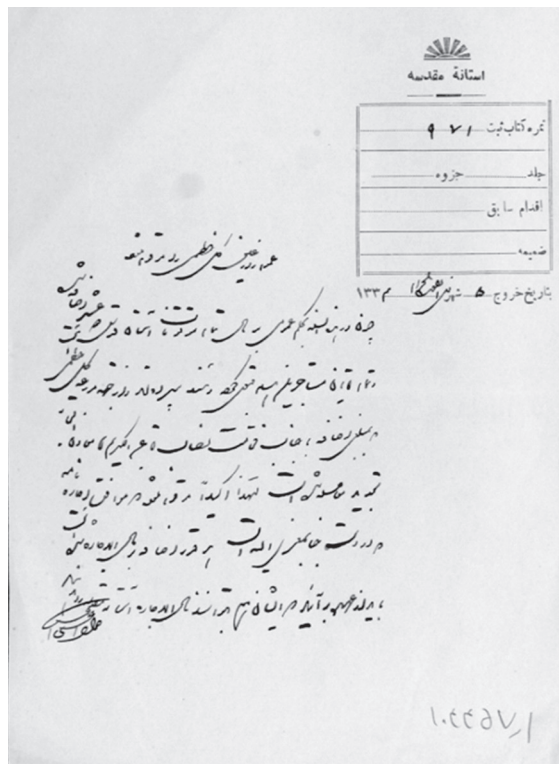
آنچه از بررسی اسناد ۱۳۳۴ق در مورد املاک موقوفه مستفاد می‌شود این است که ظهیرالاسلام خطاب به کسانی از جمله حاجی محمدحسین فضل که اجاره را با تأخیر به صندوق آستان قدس رضوی پرداخت می‌کنند، صریحاً اعلام می‌دارد که چون مستغلات آستان قدس رضوی به قانون شرع اجاره داده شده، باید مال الاجاره با اقساط معین به موقع به اداره صندوق داده شود. (ساکماق، ۱۰۴۴۹۹: ۱) (تصویر ۲) شایان ذکر است که قراردادهای اجاره میان مستأجرین و وکلای آستان قدس رضوی از زمان صفویه به بعد تحت نظارت و تأیید متولی باشی بود و پس از درج در دفاتر ثبت به مرحله اجرا درمی‌آمد (یوسفی فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷) و هزینه‌های پرداخت شده برای این موقوفات در دفاتری به نام «توجیهات» ثبت می‌شد. (همان: ۴۷)



تصویر ۲: حکم ظهیرالاسلام به حاجی محمدحسین فضل درباره پرداخت مال الاجاره (۱۳۳۴ق)

یکی از مشکلات املاک اجاره‌ای از جمله املاک گناباد، خسارات ناشی از برخی حملات اشراز محلی و افزایش مبلغ اجاره، قبل از سررسید قرارداد بود که باعث شکایات و عریضه‌های مستأجران به ظهیرالاسلام می‌شد. (ساکماق، ۵۳۱۴۵: ۱) البته چنان‌که او اظهار می‌دارد، این افزایش اجاره‌ها معمولاً با رضایت مستأجران صورت می‌گرفت و آنان متعهد به پرداخت به موقع این اضافات بودند، چنان‌که در حکمی از سوی آستان قدس رضوی خطاب به زارعان مزرعه گل خطمی در ۵ ذی القعدة ۱۳۳۴ق چنین نوشته شده است: «... چون در هذاه السنه به حکم عمومی، سه سال تمام [اجاره] موقوفات دو عشر اضافه شده و تمام آقایان مستأجرین،

همه قبول کرده و سند سپرده‌اند و از جهت مزرعه گل خطمی مبلغی اضافه با جناب عبدالکریم معاون‌التجار تجدید معامله شده است لهذا اکیداً مرقوم می‌شود که موافق اجاره‌نامه که در دست جناب معزیه‌الیه است هر قدر اضافه بر مال‌الاجاره شده است باید از عهده برآیند که ایشان هم بتوانند مال‌الاجاره آستانه را بدهند». (ساکماق، ۱۰۴۴۵۷:۱) (تصویر ۳)



تصویر ۳: حکمی از سوی ظهیرالاسلام خطاب به زارعان مزرعه گل خطمی درباره افزایش اجاره‌ها (۱۳۳۴ق)

از دیگر نکاتی که در ارتباط با املاک موقوفه در قالب نابسامانی می‌توان از آن یادکرد، سرقت‌هایی بود که در این املاک صورت می‌گرفت و باعث کاهش درآمد آستان قدس رضوی می‌شد. معمولاً آستان قدس رضوی از حاکم محلی درخواست رسیدگی و رفع و رجوع بدان را داشت، درحالی‌که داروغه‌های شهر، گاه تمایل به مداخله در این قبیل دردها را نداشتند. به عنوان نمونه، در سرقتی که در یکی از دکان‌های مزرعه گناباد در ۱۸ شعبان ۱۳۳۴ق رخ داد، علی‌اکبر خان مباشر میان ولایت تحت عنوان گلایه‌نامه‌ای به نقل از آستان قدس رضوی اظهار نموده بود که «...[اینجا چون ملک آستانه است و در اجاره فلان شخص است پس مستدعی است امر و مقرر شود به آقایان مستأجرین چنانچه اتفاقاتی در املاک خود به عرصه ظهور

برسد خود ایشان از عهده برآیند و اسباب مزاحمت حکومت محلی را فراهم نمایند [...]».  
(ساکماق، ۱۰۳۸۳۷:۱)

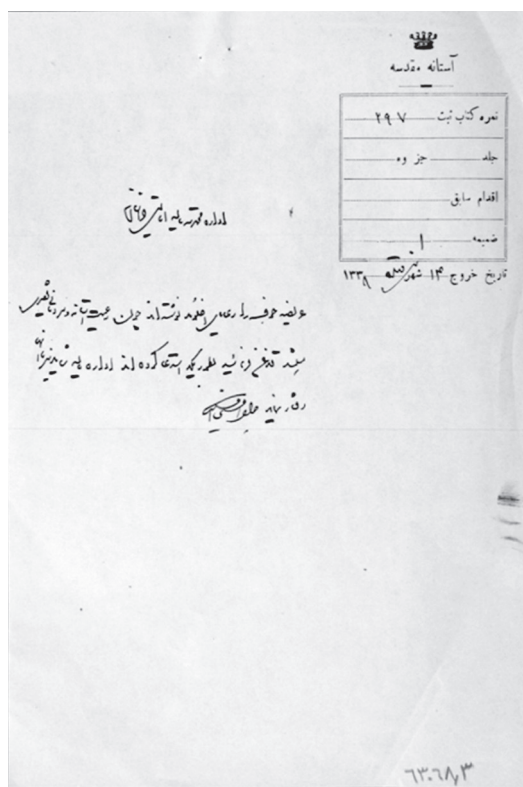
در این میان، از جمله اقدامات اولیه ظهیرالاسلام، تلگراف فوری به احمدشاه قاجار نسبت به رفع این قبیل مشکلات مالی و امنیتی آستانه بود. از بررسی مکاتبات بعدی برمی آید که احمدشاه به این قبیل مکاتبات ظهیرالاسلام، وعده مساعدت داده و تولیت را برای رفع این نابسامانی‌ها یاری داده است. (ساکماق، ۹:۶۴۳۸۱)

در دور دوم تولیت ظهیرالاسلام در ۱۳۳۸ق اوضاع مدیریت املاک موقوفه نسبت به دور اول تا حدودی متفاوت شد و مزایده املاک و واگذاری آن‌ها به افرادی خاص از جمله قوام السلطنه باعث نارضایتی برخی تجار خراسان و کاهش درآمدهای آستانه در این بخش گردید. در این دوره، بیشتر تلاش‌های ایشان در بخش املاک موقوفه در جهت رسیدگی به حساب کلیه مستأجران و تأسیس کمپانی برای اجاره دادن کلیه املاک از طریق مزایده به تزییی بود که نقد و جنس در یک محل جمع شود. (ساکماق، ۵۳۲۳۵:۳) ظهیرالاسلام، طی حکمی خطاب به میرزای ناظر کل در پاسخ به اعلام آمادگی قوام السلطنه (استاندار خراسان در ۱۳۳۶-۱۳۳۸ق) (سید قطبی و فریدونی، ۱۳۹۶:۹۱)، جهت اجاره دوازده ساله املاک با او اعلام موافقت نمود، اما با واکنش‌هایی از سوی تجار خراسان مواجه شد. (ساکماق، ۱۱۱۳۱۰:۱۲) ظهیرالاسلام بنا به درخواست تجار، پنج روز دیگر بر مدت نسق املاک می‌افزاید. (ساکماق، ۱۱۱۳۱۰:۳) در همین ارتباط، جمعی از اهالی نیشابور طی تلگرافی به متولی‌باشی درخواست نمودند که موقوفه هر ولایتی باید در همان جا به مزایده گذاشته شود. (ساکماق، ۱۱۱۳۱۰:۴)

این جریان نشان می‌دهد که به دنبال اعلام مزایده املاک موقوفه آستان قدس رضوی از سوی ظهیرالاسلام و قبول اجاره کلیه این املاک توسط قوام السلطنه به مدت دوازده سال (ساکماق، ۱۱۱۳۱۰:۱۴)، نسبت به برخی شروط منتشرشده از سوی آستان قدس رضوی انتقاداتی صورت گرفت: «نخست اینکه مدت مزایده بسیار کوتاه و در حدی نبوده که بتوان درباره املاک و میزان اجاره تحقیقات کامل نمود. دوم اینکه چون این املاک به مستأجرین جزء اجاره داده می‌شود منافع به دست آمده به جای آستانه به جیب آن شخص خواهد رفت. سوم اینکه اصل ترتیب مزایده به درستی صورت نگرفته است، زیرا که این تصمیم تولیت آستان قدس مبنی بر اجاره به یک فرد مشخص باعث سلب حق اشخاص و افرادی خواهد شد که استطاعت اجاره کردن به مبلغ بیشتری را دارند و به این ترتیب حق آن‌ها ضایع خواهد شد.

چهارم اینکه تاکنون در کشوری مثل ایران از کمپانی‌ها استفاده نشده است و ایران نخواهد توانست به درستی از وجود این کمپانی‌ها برای اجاره املاک استفاده نماید، زیرا باعث به وجود آمدن رقابت خواهد شد. اگر نه رأی عموم بر این است که از تأسیس این کمپانی‌ها، عایدات و صرفه‌ای نصیب آستان قدس نخواهد شد». (ساکماق، ۱۱۳۱۰: ۱۵-۱۷) با این شرایط، اجاره املاک آستانه، مخالف صرفه وقف دانسته شد. به نقل از برخی منابع، قوام السلطنه بعد از اجاره دوازده ساله این املاک، آن‌ها را به اشخاص دیگر اجاره داد و از این راه توانست پنجاه هزار تومان بدهی خود را به بانک شاهی بپردازد و ثروت بسیاری به دست آورد، درحالی که برای آستان قدس رضوی، چیزی جز قرض بیشتر به بار نیامد و بیش از دور اول تولید خویش و در حدود چهارصد هزار تومان مقروض شد. (کاویانیان، ۱۳۵۴: ۱۰۲، ۱۰۶، ۲۸۲، ۲۸۸؛ دانش‌پور پرور، ۱۳۹۹: ۱۱۱)

از دیگر دغدغه‌های ظهیرالاسلام در دور دوم تولید در ارتباط با املاک موقوفه، رسیدگی به وضعیت برخی قنات‌های موقوفه در مزارع استیجاری بود که باعث افزایش هزینه‌ها می‌گردید. این قبیل مشکلات، معمولاً از طریق مستأجران قنات‌ها به متولی‌باشی گزارش می‌شد. اظهارات آصف‌الدوله درباره تخریب چهار پشته از قنات سرده و سعدآباد توسط رعایای آن منطقه و دستور ظهیرالاسلام مبنی بر جبران مالی این خرابی‌ها و تسطیح قنات در ۲۴ شعبان ۱۳۳۹ق (ساکماق، ۶۳۰۲۱: ۲۷)، از مصادیق این سخن است. در سند دیگری، او در پاسخ به عریضه‌های مردم در خصوص قنات شاندیز که از قنات موقوفه بوده است و به علت خشکسالی و عدم بارندگی در چند سال متوالی نیازمند توجه و رسیدگی بود، از اداره مالیه تقاضای مساعدت با آنان را می‌نماید. (ساکماق، ۶۳۰۶۸: ۳) (تصویر ۴) خسارات ناشی از سیل و تگرگ به مزرعه چاه خاصه در ۱۳۳۸ق و همچنین اعزام نمایندگان از سوی ظهیرالاسلام به جهت توجه به مشکلات قریه سعدآباد و دستور به ساختن مخارج صد باب خانه رعیتی و پرداخت اجاره‌بهای آن‌ها بنا به درخواست احمد قوام [حاکم خراسان] (ساکماق، ۶۳۴۵۱: ۳؛ ۶۳۴۵۱: ۴)، از دیگر اقدامات او در ارتباط با رسیدگی به خسارات املاک بود. (ساکماق، ۶۳۴۱۲: ۸)



تصویر ۴: درخواست ظهیرالاسلام به اداره مالیه خراسان جهت مراعات حال رعایای شاندیز در پرداخت مالیات (۱۳۳۸ق)

شکل عمده پرداخت‌های املاک موقوفی به صورت جنسی و بسته به نوع محصول بود (یوسفی فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹) و بنا به دستور صریح ظهیرالاسلام فروش غلات این املاک به خارج از مجموعه آستان قدس رضوی ممنوع بود، زیرا به عقیده او مقدار گندم و جو، کفاف مصارف سالیانه آستانه را نمی‌دهد. (ساکماق، ۱۰۴۴۵۲: ۱-۲) بنابراین، یکی دیگر از دغدغه‌های ظهیرالاسلام توجه به کیفیت دریافت این نوع اجاره‌ها (محصولات) به‌ویژه در دور دوم بود، زیرا در برخی موارد، سطح کیفی محصولات تنزل یافته و نظارت بیشتری را طلب می‌کرد. نکته مهم دیگر مصرف این درآمدها مطابق مفاد وقف‌نامه واقف بود. به‌عنوان نمونه، توجه به عریضه‌های مستأجران مزرعه ابوالحسنی خراسان در ۱۳۳۸ق در خصوص این‌که بخش عمده‌ای از درآمد این موقوفه می‌بایست صرف تعلیم و تربیت اطفال بی‌بضاعت می‌شد (ساکماق، ۶۳۴۱۷: ۳)، اعزام گروهی از نمایندگان از سوی متولی باشی جهت تحقیق درباره میزان دقیق عایدات کلی این موقوفه، تعداد کودکانی که با این عادات مشغول تحصیل

هستند و توجه به کیفیت تحصیل آن‌ها بود. (ساکماق، ۶۳۴۱۷: ۳)

همان‌گونه که بر اساس اسناد ملاحظه شد، اگرچه مشکلات املاک در دور دوم بیش از دور اول بود، اما ظهیرالاسلام به‌عنوان متولی‌باشی آستان قدس رضوی در دایره مدیریتی خویش، از هیچ تلاشی فروگذار نبود. از بررسی ۲۷ سند در بخش درآمدهای آستانه در مجموع دو دوره تولید ظهیرالاسلام استنباط می‌شود که به علت وسعت املاک و مزارع آستانه در مشهد و روستاهای اطراف خراسان، اجاره‌های املاک موقوفه در دو قالب نقدی و جنسی بزرگ‌ترین منبع مالی و درآمدی آستان قدس رضوی بوده است. ظهیرالاسلام در دور اول تولید با دستورنامه‌هایی به مستأجران و با استناد به این‌که املاک آستانه به قانون شرع اجاره داده شده است، تلاش زیادی داشت که بتواند اجاره‌ها را به‌موقع دریافت کند، حتی در مواردی که مستأجران قبل از سررسید قرارداد اجاره رضایت داشتند، بر مبلغ اجاره‌ها می‌افزود. با این حال، مشکلات اجتناب‌ناپذیری از جمله برخی سرقت‌هایی که در املاک رخ می‌داد باعث کاهش درآمد کلی آستانه می‌شد. پیگیری‌های او با مقامات محلی در خراسان و احمدشاه قاجار در تهران نیز جهت کسب تکلیف در این موارد، فقط در کوتاه‌مدت می‌توانست سدی در برابر این تعدی‌ها باشد. در این میان، افزایش مشکلات مالی رعایا در روستاهای اطراف مشهد بر اثر خشکسالی‌های پی‌درپی قنات‌های موقوفه و تقاضاهای مکرر آنان از ظهیرالاسلام جهت دریافت مساعدت و بخشودگی‌های مالیاتی و همچنین تنزل سطح کیفی اجاره‌های غیرنقدی در دور دوم، مزید بر مشکلات دور اول گردید و موجب شد ظهیرالاسلام در این دوره به فکر تأسیس کمپانی برای اجاره املاک از طریق مزایده باشد. این راهکار نیز به این دلیل که املاک مذکور تحت اجاره دوازده‌ساله قوام‌السلطنه قرار گرفت، با موانعی از سوی تجار خراسان مواجه شد و مکاتبات مکرر ظهیرالاسلام با تجار در جهت توجیه این عملکرد نیز مؤثر واقع نشد و درنهایت، نه‌تنها نتوانست درآمد از دست‌رفته آستان قدس رضوی را جبران نماید، بلکه بدهی‌های آستانه نیز به‌تدریج افزایش یافت.

### برخی معافیت‌های مالیاتی

یکی از مواردی که در بخش درآمدها مورد توجه است معافیت تشکیلات آستان قدس رضوی از پرداخت برخی مالیات‌ها است. بررسی دو مورد از اسناد، نخست، گزارش پیشکار مالیه به والی خراسان در رابطه با خودداری تولید آستان قدس رضوی، تولید مسجد جامع و متولیان چند مدرسه مبنی بر خودداری از پرداخت مالیات مستغلات و ارجاع آن

به ظهیرالاسلام مبنی بر لزوم داشتن دستخط از شاه در ۱۳۳۴ق (ساکماق، ۱۰۳۹۹۷: ۳) و دیگری حکم احمدشاه که توسط ظهیرالاسلام به ریاست مالیه خراسان ارائه شده (ساکماق، ۱۰۴۲۳۶) نشانه‌های دیگری از راه‌های افزایش درآمد آستانه به شمار می‌رفته است.

### حق الارض دفن اموات

دفن اموات از جمله موارد مهمی بود که چون از خانواده متوفی، حق الارض بابت آن اخذ می‌شد می‌توانست به‌عنوان یکی از راه‌های درآمدی منابع مالی آستان قدس رضوی مطرح باشد. بنابراین، ظهیرالاسلام در ۱۳۳۹ق (در دور دوم تولیت) طی دستوری به خادم‌باشی اعلام می‌دارد: «لازم است راپورت دفن اموات را در آستان قدس رضوی از اول رمضان با تعیین محل دفن و حق الارض مرتباً نوشته و به تولیت ارسال دارید و هر شب که جنازه دفن شود، صبح راپورت آن را بفرستید که عده اموات و منبع حق الارض شود». (ساکماق، ۶۳۰۲۱: ۱۵) همچنین نظارت خاصی بر این مسئله صورت می‌گرفت که تدفین اموات در هر نقطه دلخواه در مجموعه حرم و صحنین مجاز نبوده است. (ساکماق، ۶۳۴۶۰: ۲)

### نظارت بر تسویه حساب‌های مالی با آستان قدس رضوی

مسئله‌ای که به لحاظ مالی و حقوقی مورد توجه ظهیرالاسلام بود و به‌نوعی باعث افزایش درآمد آستانه می‌شد، تسویه حساب‌های به موقع اداره صندوق، قبل از پایان یافتن سال مالی بود که ظاهراً رمضان هر سال تعیین شده بود، به‌گونه‌ای که از یک ماه مانده به فرارسیدن رمضان هر سال، دستورات اکیدی در این زمینه صادر می‌شد: «چون باید محاسبات آستانه مقدسه تا قبل از رمضان سال ۱۳۳۸ق تسویه شود و در سینه یونت‌ئیل ریاست صندوق به عهده جنابعالی بوده است؛ لذا نوشتجات و اسناد خودتان را تا بیستم شهر شعبان به حاجی سررشته‌دار ارائه داده که کتابچه آن را نوشته به دفتر برسانند». (ساکماق، ۶۵۳۲۴: ۳؛ ۶۵۳۲۴: ۴؛ ۶۵۳۲۴: ۵)

### هزینه‌ها

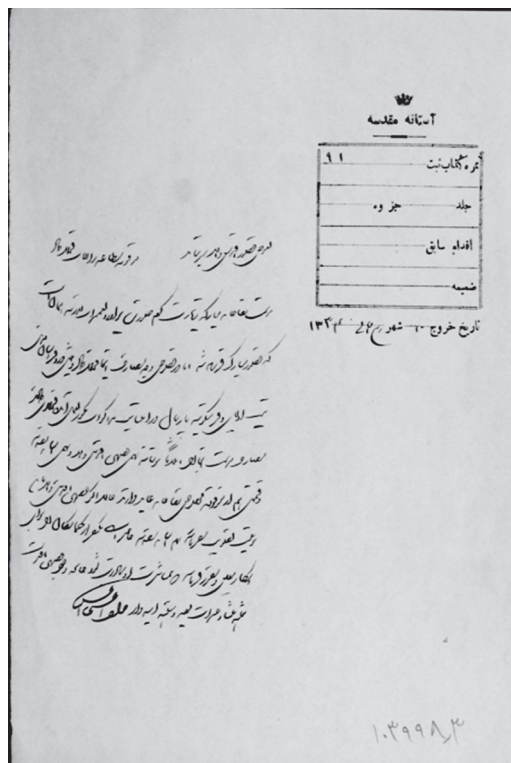
#### حقوق و مستمری کارکنان آستانه

از جمله نکات مهمی که ظاهراً باعث می‌شد ظهیرالاسلام نسبت به پرداخت حقوق معوقه کارکنان آستانه مراقبت و رسیدگی ویژه‌ای داشته باشد، میزان شناخت و حسن اعتماد او به کارمند مربوطه و یا خدمات چشمگیر آنان بود. به‌عنوان نمونه، مراجعه شود به سندی متعلق به ۱۳۳۴ق (ساکماق، ۱۰۴۴۲۴: ۱) که نشانه‌هایی از حسن اعتماد متولی‌باشی به

آن کارمند بود. از دیگر نکاتی که باعث تعهد بیشتر ظهرالاسلام در پیگیری حقوق معوقه این کارمندان بود، خدمات چشمگیرشان بود. سواد حکم ظهرالاسلام بر پرداخت مبلغی از مواجب امجدالحکما به میرزا عبدالحسین به واسطه زحمات او در وصول مال الاجاره عراق (ساکماق، ۶۵۱۷۹: ۱) در دور دوم تولیت ایشان، بیانگر این مسئله است. اهمیت و فوریت این قبیل پرداخت‌ها برای ظهرالاسلام در دور دوم تولیت او از دور اول نیز بیشتر بود، به گونه‌ای که به صورت علنی در جراید روز خراسان، خطاب به «عموم شهریه‌بگیرهای آستان قدس اعلام می‌دارد کسانی که از آستان قدس حقوقی داشته نیز در مقابل قوه اعاشه عیالات خودشان را در سال ندارند آنچه از حقوق آستان قدس به آن‌ها می‌رسیده در موقع، قطع نشده نقداً و جنسا پرداخته خواهد شد». (ساکماق، ۶۳۰۵۷: ۱) این تأکیدهای ظهرالاسلام مبنی بر پرداخت‌های حقوق و معوقات، زمانی اهمیت خود را بیشتر نشان می‌داد که وقتی در سال‌های پس از ۱۳۳۸ق که تولیت آستان قدس رضوی از دست ظهرالاسلام خارج شده بود، تولیت جدید ظاهراً برخی از این پرداخت‌ها از جمله پرداخت ماهیانه پنج تومان مستمری را که در زمان ظهرالاسلام از اداره صندوق پرداخت می‌شد، متوقف نمود و باعث اعتراضاتی شد. (ساکماق، ۶۳۸۲۳: ۲۳-۲۴)

روشنایی مجموعه حرم، تعمیرات صحنین مقدس و تعمیر مقابر قدیمی خواجه ربیع با وجود تأمین روشنایی حرم از طریق دستگاه چراغ‌برق که در زمان مظفرالدین‌شاه توسط معاون الدوله برای حرم خریداری شده بود (سید قطبی، ۴/۱۳۹۸: ۵۴ به نقل از: روزنامه حبل‌المتین، ش ۴۱)، تأمین روشنایی از طریق شمع‌ها نیز از مسائل بسیار مهمی بود که همواره مورد توجه تولیت‌های وقت آستان قدس رضوی بود. دستوره‌های متعدد ظهرالاسلام به حاج شعاع‌التولیه (مشیر روشنایی حرم در ۱۳۳۴ق) مبنی بر سفارش شمع‌های متعدد برای حفظ روشنایی چهل چراغ‌های حرم مطهر به‌ویژه در ایام اعیاد، از جمله ماه ربیع‌الاول که مقارن میلاد حضرت رسول اکرم (ص) بود، تأکید و نظارت بیشتری را از سوی تولیت وقت آستان قدس رضوی می‌طلبید. (ساکماق، ۱۰۴۴۸۰: ۱) بررسی اسناد در این زمینه نشان می‌دهد که بخشی از روشنایی حرم از درآمدهای موقوفات تأمین می‌شد، چنانکه نامه‌ای از ظهرالاسلام به سردار منصور، وزیر پست و مخابرات در ۱۳۳۴ق تأکید فوری بر حواله سریع موقوفات روشنایی حرم که به مدت یک سال به تأخیر افتاده بود، مصداق این موضوع است. (ساکماق، ۱۰۴۴۲۳: ۱) مکاتبه ظهرالاسلام در پاسخ به مقام مافوق خود، در همان سال درباره نحوه تأمین هزینه

تعمیر و مرمت سقاخانه حرم که آن هم از محل عواید موقوفات بود (ساکماق، ۱۰۳۹۹۸: ۳)، نشانه دیگری از تلاش‌های او در بخش تأمین هزینه بود. (تصویر ۵)



تصویر ۵: پاسخ ظهیرالاسلام به مقام مافوق، درباره مرمت سقاخانه حرم امام رضا (ع) (۱۳۳۴ق)

درباره تعمیرات بخش‌های مختلف حرم و صحنین مقدسه و هزینه‌های مربوط به آن، دستورنامه‌هایی از ظهیرالاسلام به امجدالتولیه و رئیس تعمیرات مبنی بر تعیین مقرری ماهیانه مشخص از خزانه آستانه به مبلغ پانصد و پنجاه تومان جهت تسطیح صحنین مقدس و ساختن نهر در ۱۳۳۹ق و تقاضای اینکه باید گزارش عملکرد را با توجه به هزینه‌های دریافتی برای رئیس تعمیرات ارسال شود، نشانی از اهمیت بالای این مسئله در دایره مدیریتی ظهیرالاسلام است. (ساکماق، ۶۳۰۲۱: ۱۳)

از دیگر اماکنی که نیاز به مرمت داشت و ظهیرالاسلام طی احکامی بر اوضاع آنجا رسیدگی می‌نمود، قبرستان خواجه ربیع بود که موقوفه آنجا تحت مباشرت حاج میرزا هاشم کلیددار و مستأجر میرزا اسماعیل سرکشیک سوم داده شده بود. مطابق گزارش‌هایی که درباره اوضاع نامناسب مقابر خواجه ربیع به متولی باشی داده شده بود (ساکماق، ۶۳۰۱۲: ۲)، دستور

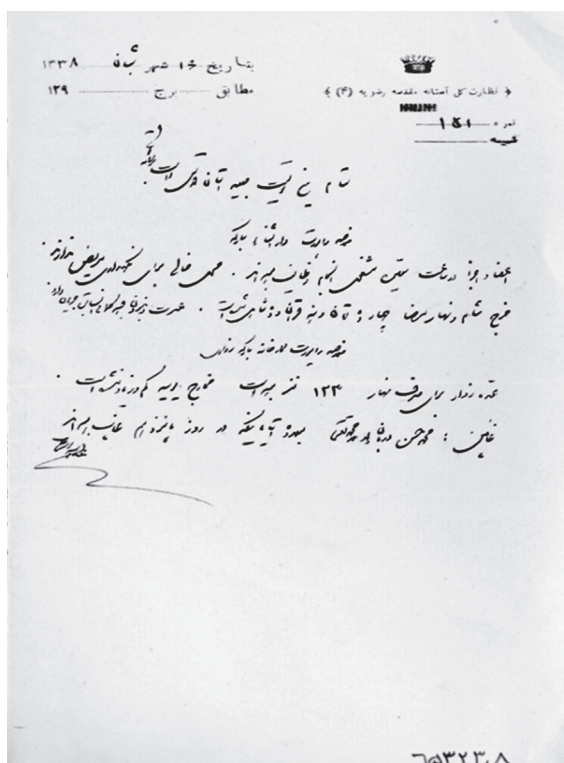
اکیدی از سوی ظهیرالاسلام خطاب به کمیسیون املاک آستان قدس رضوی در ۵ رمضان ۱۳۳۹ق صادر شد، با این مضمون: «درباره شکایت از وضعیت قبرهای خواجه ربیع که نیاز به تعمیرات دارد و تقاضا از کمیسیون املاک آستان قدس برای رسیدگی به این موضوع [دارد] چون رسیدگی به آن را در دایره وظایف این ارگان می‌داند». (ساکماق، ۶۳۰۶۲: ۳) با وجود مشکلات و بحران‌هایی که به لحاظ اقتصادی در سال‌های پایانی عصر قاجار وجود داشت، ظهیرالاسلام علاوه بر اقدامات مذکور، فعالیت‌های عمرانی ارزشمند دیگری نیز در حوزه آستان قدس رضوی به ثمر رسانید، همچون تعمیر قنوات مشهد (ساکماق، ۲۳۰۶۵: ۱) و (ساکماق، ۲۳۰۶۵: ۳) دیوار آجری بست علیا در حرم مطهر و ترمیم و کاشی‌کاری و تعمیر خیابان‌ها و مریض‌خانه حاصل دوره تولیت او در آستان قدس رضوی در مشهد بود. (مرسلوند، ۱۳۶۹: ۲۶۲/۱)

#### دارالشفای آستان قدس رضوی

مطابق برخی اسناد، سابقه دارالشفای حضرت و خدمت‌رسانی آن به بیماران به اوایل دوره صفوی برمی‌گردد. اسناد مذکور، نشان می‌دهد که به واسطه امام رضا (ع)، مرکز درمانی در حرم ایجاد شده است. از این رو، نیکوکاران با نیت خیر، جهت رفاه حال بیماران امکاناتی فراهم می‌ساختند. (شهیدی، ۱۳۸۷: ۶۴) این مرکز در دوره قاجاریه گسترش یافت و به لحاظ امکانات، مجهزتر شد. (فاضل‌مشهدی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۴) دارالشفای آستان قدس رضوی ظاهراً در نوبت اول تولیت ظهیرالاسلام، شرایط بهتری داشت، زیرا اولاً در بررسی اسناد، سندی که حاکی از نابسامانی این بخش در دور اول داشته باشد مشاهده نشد و دوم اینکه تمام تلاش ظهیرالاسلام در بخش داروهای خریداری شده و سایر لوازم جانبی مورد نیاز دارالشفای آستان قدس رضوی این بود که بتواند اداره مرکزی گمرکات را بر معافیت گمرکی این داروها مجاب سازد. (ساکماق، ۵۳۱۴۳: ۳) نکته مهم دیگر اینکه ریاست دارالشفای آستانه بر عهده شاهزاده معین‌التولیه بود که حکم ریاست او بعد از تأیید و پیشنهاد متولی باشی به دربار، از سوی احمدشاه قاجار صادر شد. (ساکماق، ۱۰۴۴۲۳: ۲؛ ۱۰۴۴۴۶: ۱)

با این حال، گزارش‌های به دست آمده از دور دوم تولیت ظهیرالاسلام حکایت از نابسامانی‌ها در این بخش مهم دارد. گزارش‌هایی که به طور مرتب از اوضاع نابسامان دارالشفای برای تولیت وقت آستان قدس رضوی (ظهیرالاسلام) ارسال می‌شد، حکایت از این قضیه دارد. عدم تخت خالی کافی برای مریضان و هزینه‌های بالایی به مبلغ هزار و سیصد تومان که صرف

نگهداری بیماران و شام و نهار روزانه برای آنان شده، درحالی که بودجه تخصیص یافته برای این بخش، تنها یک صد و هشتاد تومان در نظر گرفته شده بود. (ساکماق، ۶۵۳۲۳: ۸) این در حالی بود که بر اساس وقف نامه های به دست آمده، برخی مزارع و املاک برای مصارف معینه دارالشفای اختصاص داده شده بود، اما بنا به دلایلی، تاکنون دارالشفای آن بابت چیزی عاید نداشته و مشغول اقدامات برای برگزاری آن عواید شده است. (سید قطبی، ۶/۱۳۹۸، به نقل از: روزنامه رعد، ۱۳۳۸: س ۸۵) در پاسخ به حل این مشکلات، ظهیرالاسلام مکاتباتی با کمیسیون تفتیش آستان قدس می نماید و آنان را مأمور بررسی این مشکلات قرار می دهد و آنان در مقابل، گزارش روزانه دارالشفای را به اطلاع ظهیرالاسلام می رسانند. (ساکماق، ۶۵۳۲۳: ۴، ۸، ۱۰، ۱۴) (تصویر ۶)



تصویر ۶: گزارش روزانه ناظر کل آستان قدس رضوی به ظهیرالاسلام درباره اوضاع دارالشفای (۱۳۳۸ق)

تنظیف و پاکیزه نگاه داشتن صحنین و خیابان های منتهی به حرم مسئولیت مراقبت از پاکیزه نگاه داشتن خیابان های منتهی به حرم مطهر و جلوگیری از فعالیت دکان های موقت و بساطی ها، بر عهده پیشکاران مالیه و اداره بلدیه و اداره تنظیف

بررسی تطبیقی اقدامات اقتصادی ظهیرالاسلام، متولی باشی آستان قدس رضوی

بود. بنابراین، مکاتباتی که میان ظهیرالاسلام و این ادارات مربوطه در ۱۳۳۴ق صورت گرفته، حاکی از این است که اجازه ندهند در دو طرف نهر، بساطی‌ها، فعالیت اقتصادی داشته باشند، زیرا باعث هدر رفتن روشنایی و چراغ‌های بی‌شماری می‌شدند که جهت روشنایی موردنیاز آنان بود. از سوی دیگر، موجبات آلودگی بست علیا می‌شدند که محل عبور و مرور زوار به سمت حرم مطهر هستند. بنابراین، طی مکاتبه‌ای اداری، ظهیرالاسلام به اداره نظمیّه مکرراً اخطار می‌دهد که این موضوع، مراقبت خاصی را می‌طلبد و باید اداره نظمیّه «...» ترتیبی بدهد که اتباع خارجه و داخله به هیچ‌وجه، قدرت تخطی نکنند. در خیابانی که به این زحمت و مخارج تنظیف شود و زحمت و پول دولت به هدر نرود». (ساکماق، ۱۰۴۱۳۵: ۳).

#### وجوه امانتی سپرده‌شده نزد کارکنان آستانه

یکی از مسائلی که ظهیرالاسلام به عنوان تولیت آستان قدس رضوی در ۱۳۳۴ق و ۱۳۳۸ق می‌بایست به لحاظ مالی بر آن نظارت جدی می‌داشت، تعیین تکلیف مبالغی بود که از ناحیه پرداخت‌های حقوقی معین به شکل اعتبار برای متقاضیان وام تا مدتی معین حواله و در مقابل برای آنان قبض صادر می‌شد. مشکلات زمانی به وجود می‌آمد که وام‌گیرنده از تأدیه در موعد معین استنکاف می‌ورزید و اینجا بود که کمیسیون محاسبات آستانه باید نقش خود را در حل این مشکل ایفا می‌کرد و نامه‌های مکرری مبنی بر تقاضای رسیدگی به این مسئله از سوی ظهیرالاسلام برای این کمیسیون ارسال می‌شد. تعیین تکلیف مبلغ شصت و هفت تومان حقوق سید علی‌اکبر کشفی که برای مویدالتولیه حواله شده بود و ظهیرالاسلام در ۱۳ و ۱۷ رمضان ۱۳۳۹ق از این کمیسیون تقاضای بررسی آن را داشت از جمله این موارد است. (ساکماق، ۶۳۰۲۱: ۲۱؛ ۶۳۰۲۲: ۲۵) مسئله بعدی، وجوه سپرده‌شده نزد برخی کارکنان و فراشان معتمد آستان قدس رضوی بود و ظاهراً برخی از این فراشان، وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دادند، اما ظهیرالاسلام گاه واکنش صحیحی نشان نمی‌داد. به عنوان نمونه، از بررسی نامه‌های ظهیرالاسلام برای اداره نظمیّه خراسان و شاهزاده شعاع‌السلطنه (ساکماق، ۶۳۰۷۰: ۴، ۶) مبلغ دویست و شصت تومان پول متعلق به یکی از افراد که نزد کربلایی محمدخان فراش به امانت گذاشته شده بود، چون آن فراش، وجه مزبور را اسلحه خریده علیه او شکایت‌هایی به ظهیرالاسلام صورت گرفته بود، اما ظاهراً ظهیرالاسلام در این میان، کربلایی محمدرضا را به بهانه این‌که نامبرده از فراشان آستانه و صاحب مغازه‌ای در مشهد است را بی‌گناه اعلام می‌کند و از تسلیم او به اداره نظمیّه استنکاف می‌ورزد. همچنین

از اداره نظمیۀ تقاضا دارد که پنجاه تومان حق الضمانه کربلایی محمدرضا را به او برگردانند.  
(همان)

### حقوق معلمان مدارس وابسته به آستانه

بخش دیگری از پرداخت‌های ظهیرالاسلام به حوزه مسائل فرهنگی مربوط می‌شد. از دور اول، اسنادی که دال بر نابسامانی وضعیت مدارس و معلمان مشهد باشد، مشاهده نشد، اما ظاهراً ظهیرالاسلام در دور دوم تولیت با عریضه‌هایی از سوی جمعی از معلمان مدرسه رضویۀ مواجه شد که از امروز و فردا شدن وعده‌های واهی از پرداخت حقوقشان به تولیت آستان قدس رضوی شکایت نموده بودند. آن‌ها که در این عریضه خود را «فقرا» می‌خواندند، اعلام کرده بودند، چنانچه حقوق پنج‌ماهه معوقه آنان پرداخت نشود، از تدریس و حاضر شدن در کلاس درس استنکاف خواهند نمود و مدرسه به لحاظ آموزشی دچار رکود خواهد شد. (ساکماق، ۱۹۶۳: ۱) در پی این عریضه‌ها، ظهیرالاسلام مکاتباتی با ریاست محاسبات آستان قدس رضوی نمود (همان: ۲) و ضمن پیوست نمودن لیست مدیر، معلمان و اعضای مدرسه و میزان حقوق هرکدام، تقاضای فوری رفع این مسئله را نمود. ظاهراً رئیس صندوق از ظهیرالاسلام خواستار پرداخت این مواجب به آنان شد. ظهیرالاسلام این مبالغ را عجلتاً پرداخت می‌نماید تا آخر ماه از صندوق مباشرت به او برگشت داده شود. (ساکماق، ۱۹۶۳: ۳؛ ۴)

به‌طورکلی، آنچه از بررسی ۳۷ سند در بخش هزینه‌های آستان قدس رضوی در مجموع دو دوره تولیت ظهیرالاسلام استنباط می‌شود حاکی از این است که بیشترین هزینه‌های آستانه به‌ویژه در دور دوم، به ترتیب اولویت در بخش حقوق و مستمری کارکنان، روشنایی حرم، تعمیرات بیوتات، دارالشفاء، نظیف خیابان‌ها و حقوق معلمان بود که در مدارس وابسته به آستانه مشغول خدمت بودند. از آنجایی که در دور دوم، اجاره املاک به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته بود و سایر منابع درآمدی آستانه از جمله حق الارض دفن اموات و برخی معافیت‌های مالیاتی و همچنین تسویه حساب‌های به‌موقع مطابق دستورهای مجدانه ظهیرالاسلام با ادارات ذی‌ربط تا آن میزانی نبود که بتواند پاسخگوی مناسبی برای تأمین منابع مالی مذکور باشد، بنابراین درآمدهای آستان قدس رضوی نسبت به هزینه‌ها از همخوانی متناسبی برخوردار نبود.

## نتیجه

آنچه درباره کارنامه اقتصادی سید جواد ظهیرالاسلام به عنوان متولی باشی آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ ق و ۱۳۳۸-۱۳۳۹ ق) در اسناد این مرکز انعکاس یافته است و شمه‌ای از آن در پژوهش حاضر بازنمایی شد، حاصل مطالعه ۶۵ سند در دو بخش هزینه‌ها و درآمدها در دو قالب دستورات و مکاتبات او با ادارات مختلف بوده است. در بخش مکاتبات، بیشترین تعداد این اسناد مربوط به هزینه‌های آستان قدس رضوی در دور دوم تولید ظهیرالاسلام و کمترین آن‌ها مربوط به درآمدهای آستانه در دور اول تولید ظهیرالاسلام و در بخش دستورات نیز بیشترین تعداد این اسناد مربوط به درآمدهای آستانه در دور دوم و کمترین آن‌ها مربوط به درآمدها در دور اول تولید او بوده است. به طور کلی، مطالعه تطبیقی این اسناد نشان داد که میان هزینه و درآمد در دو دوره موردنظر، رابطه معکوس وجود دارد. در دور اول تولید ظهیرالاسلام، سطح درآمد به ویژه از ناحیه املاک و اراضی موقوفه بیشتر و هزینه‌ها ثابت و یا کمتر بود، اما در دور دوم، عکس آن بود، به طوری که سیاست‌های جدید ظهیرالاسلام از جمله تأسیس کمپانی برای اجاره املاک از طریق مزایده نتوانست مفید واقع شود و کسری بودجه را تأمین کند. همچنین سایر راه‌های درآمدی آستان قدس رضوی از جمله حق‌الارض دفن اموات، برخی معافیت‌های مالیاتی و تلاش برای تسویه حساب‌های این مرکز نیز نتوانست نقایص مالی صندوق ذخایر مالی آستانه را جبران نماید. علاوه بر این، افزایش هزینه‌ها در بخش پرداخت حقوق و مستمری‌ها، دارالشفاء، روشنایی حرم و ضرورت تعمیرات در بخش‌های مختلف عمرانی وابسته به مجموعه آستان قدس رضوی در این دور باعث شد ظهیرالاسلام در فاصله ۱۳۳۸ ق تا ۱۳۳۹ ق، با وجود تلاش‌های گسترده‌تر نسبت به دور قبل، به دلیل مشکلات مذکور به لحاظ اقتصادی و ناکارآمدی‌های تشکیلات اداری اواخر عصر قاجار و عدم همکاری و هماهنگی لازم میان آستانه و ادارات مرتبط با آن نتوانست منشأ تغییرات اقتصادی اثرگذار و ساماندهی امور تشکیلات آستان قدس رضوی گردد.

## منابع

- حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). «متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا افشاریه». دفتر اسناد. ج ۲-۳. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- دانش پور پرور، فخری. (۱۳۹۹). «جواد ظهیرالاسلام». دائرة المعارف آستان قدس رضوی. مشهد: بنیاد

پژوهش‌های اسلامی.

روزنامه ایران. (۱۳۷۴). ج. ۱. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

سوزنچی کاشانی، علی، و کاظم جهانگیری کلاته. (۱۳۹۱). «موقوفات متولیان آستان قدس رضوی از صفویه تا پایان قاجاریه». پژوهش‌نامه مطالعات آستان قدس رضوی از صفویه تا پایان قاجاریه. (شماره ۱)، ۶۲-۹۸.

سید قطبی، سید مهدی. (۱۳۹۸). اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجار. قم: مجمع ذخایر اسلامی. سید قطبی، سید مهدی. (۱۳۹۶). تاریخ معاصر مشهد به روایت محمد احتشام کاویانیان: از انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۴۰ شمسی. قم: مجمع ذخایر اسلامی.

سیف، احمد. (۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن نوزدهم. تهران: چشمه. شهیدی، حمیده. (۱۳۸۷). «نگاهی به طب سنتی در دارالشفای آستان قدس رضوی در عصر صفوی، بررسی هفت روز از اسناد روزنامه‌چه دارالشفای». گنجینه اسناد. ج. ۳. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

عطاردی، عزیزالله. (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس رضوی. تهران: عطارد. فاضل‌مشهدی، سید محمدرضا. (۱۳۸۹). «بیمارستان و دارالشفای حرم مطهر رضوی در آینه تاریخ». نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. (شماره ۸-۷)، ۱-۲۳.

کاویانیان، محمد. (۱۳۵۴). شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس. مشهد: آستان قدس رضوی. کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۳). اقتصاد سیاسی ایران. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.

کاظم‌بیگی، محمدعلی. (۱۳۹۹). «سوءمدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ق)». تحقیقات تاریخ اجتماعی. (شماره ۱۰)، ۲۷۲-۲۴۷. محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۷۵). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: بعثت. مرسلوند، حسن. (۱۳۶۹). زندگینامه رجال و مشاهیر ایران. تهران: الهام. یوسفی‌فر، شهرام، و همکاران. (۱۳۹۶). «مناسبات مالک و مستأجر در اراضی و املاک وقفی آستان قدس». گنجینه اسناد. (شماره ۱۰۵)، ۴۴-۶۶.

## اسناد

ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

۵۳۲۲۳؛ ۱۴۲۹۱؛ ۵۳۱۴۵؛ ۱۰۴۴۵۷؛ ۱۰۳۸۳۷؛ ۶۴۳۸۱؛ ۱۰۴۴۹۹؛ ۵۳۲۳۵؛ ۱۱۳۱۰؛ ۶۳۰۲۱؛ ۶۳۰۶۸؛  
 ۹۳۰۹۶؛ ۱۰۴۴۵۲؛ ۶۳۴۱۲؛ ۶۳۴۱۷؛ ۶۳۴۵۱؛ ۱۰۴۴۲۴؛ ۶۵۱۷۹؛ ۶۳۰۵۷؛ ۶۳۸۲۳؛ ۱۰۴۴۸۰؛  
 ۱۰۴۴۲۳؛ ۶۳۰۲۱؛ ۶۳۱۴۳؛ ۱۰۴۴۲۳؛ ۱۰۴۴۴۶؛ ۶۵۳۲۳؛ ۱۰۴۱۳۵؛ ۶۳۴۶۰؛ ۶۳۰۱۲؛ ۶۳۰۲۲؛  
 ۶۳۰۷۰؛ ۶۵۳۲۴؛ ۶۵۰۲۱؛ ۶۳۸۱۹.